

مروری بر اندیشه سیاسی آیت الله نائینی عبدالوهاب فراتی

شناخت و بازکاوی اندیشه و روند تحولات تاریخی آن در ابعاد مختلف، پرتنوع و مورد توجه دانشوران هر عصر بوده است. در این میان اندیشه سیاسی به عنوان جوهره حکومت و اداره مدن از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار بوده و به همین دلیل در هر دوره تاریخی به گونه ای دچار مشکلات و تضیقاتی شده است.

به خصوص در جهان اسلام که اندیشه سیاسی با فراز و نشیب های بسیار رو به رو بوده و ظهور آن در قلمرو تفکر اسلامی تنها در قالب کتاب های ملل و نحل و وسیله ای برای نقد اندیشه ها و نظریات کلامی و نحله های فکری مختلف بوده است.

رویکرد متفکران و اندیشمندان اسلامی، در عصر حاضر به شناخت روند تحول اندیشه سیاسی در جهان اسلامی با سمت و سوهای مختلفی صورت گرفته است. برخی به انگیزه معرفت شناسی تاریخی، عده ای به منظور خودآگاهی تاریخی - فرهنگی و بعضی برای دیرینه شناسی و باستان شناسی معرفت یا شناخت و نقد هویت و ماهیت امروز خویش و تعیین سمت گیری آینده بر اندیشه سیاسی در حوزه اسلامی پرداخته اند.

نهضت مشروطیت، که بر اثر عوامل متعددی بروز کرد تأثیرات و پیامدهای مهمی در تحولات داخلی پس از آن، به ویژه حوزه فکر و عمل سیاسی، بر جای نهاد. شاید بتوان گفت نهضت مشروطه، نخستین رویارویی مستقیم در ایران نو، بین فرهنگ اسلامی سنتی و فرهنگ غرب بود که بسترهای بسیار مساعدی را برای اندیشیدن در باره تمدن جدید و نظام سیاسی موجود به وجود آورد. سوال ها و پاسخ هایی که پس از مشروطه مطرح میگردد دارای محتوا و ظاهری نسبتاً متفاوت با قبل از آن دوره بود.

این که چرا کشورهای مغرب زمین فرایند توسعه یافتگی را این چنین شتابان در منورند؟ و در مقابل، چرا ایران اسلامی به عنوان جزئی از پیکره جهان اسلام، در فلاکت و عقب ماندگی به سر میرسد؟ زمینساز پاسخ هایی شد که از دوره عباس میرزا و به طور جدی تر از دوران نهضت مشروطه به بعد، مطرح گردید، آیا عوامل داخلی در این وضعیت دخالت دارند یا عوامل خارجی؟ رویکرد دوگانه ای بود که به راه حل ها و جریان های فکری متعددی منجر شد. میرزا محمد حسین نائینی غروی، یکی از رهبران نهضت مشروطیت، در پاسخ به سوال های فوق و مشکلات و حوادث جاری در ایران آن دوره، به ساختار قدرت در ایران منگردد و عواملی از قبیل توزیع ناعادلانه قدرت و استبداد سیاسی و دینی را از مهم ترین مشکلاتی جامعه ایران میدانند از این رو در پی آن بود تا با ارائه یک نظم سیاسی جدید، از ظلم ساختار قدرت موجود، قدری بکاهد. هر چند تاکنون کتاب ها و مقاله های بسیار در باره اندیشه سیاسی نائینی(ره) نوشته شده است لکن به نظر میرسد چهار چوب و منظومه اندیشه سیاسی وی و تأثیرات آن بر تحولات بعدی، مورد کاوش جدی قرار نگرفته است. آیا حکومت مطلوب به دیده او همان نظام پارلمانی و دموکراسی دینی است که در((تنبیه الامه)) مطرح میکنند؟ و یا این که اساساً نائینی به طرح حکومت مطلوب خویش نپرداخت و در((تنبیه الامه)) به بررسی حکومت مطلوب ممکن توجه کرده است؟ شیوه جمع بین آرای فقهی او در((منیه الطالب)) و نظریات سیاسی او در((تنبیه الامه)) چگونه خواهد بود؟ آیا میتوان اندیشه سیاسی او را با زندگی سیاسی اش - که تا حدودی هم خوانی ندارد - به سازش کشاند؟ چنین اندیشه ای چه تأثیراتی به جریان های سیاسی دوران پس از مشروطه نهاد است؟ تجربیاتی که مبارزان و اندیشوران سیاسی دوره پهلوی از نهضت مشروطه به ویژه مواضع نائینی و شیخ فضل الله نوری، به دست آورده اند چگونه بوده است؟ و ده ها سوال دیگر که لازم است مجدداً مورد مطالعه قرار گیرند. عبدالهادی حائری در رساله دکترای خود تحت عنوان((تشیع و مشروطیت و نقش ایرانیان مقیم عراق)) به تفصیل به

تحلیل اندیشه ها و زندگی سیاسی و علمی نائینی، پرداخته است، شاید بتوان گفت تحقیقات و گردآوری های او، در این باره از منابع کم نظیری است که تاکنون در باره آن عالم بزرگوار نوشته شده است. حائری در این اثر، به تطبیق زندگی و اندیشه سیاسی نائینی میپردازد و تا حدود بسیاری به ابهامات موجود پاسخ میدهد . مرحوم حمید عنایت نیز در کتاب ((تفکر نوین سیاسی اسلام)) به طور اجمالی به اندیشه نائینی اشاراتی دارد لکن از آن جا که توجه بیشتر نویسندگان به تطبیق اجمالی اندیشه سیاسی شیعه و سنی است، مانع از آن شده است که وی مستقلاً در باره اندیشه و زندگی سیاسی نائینی، سخن بگوید. در میان تحقیقات انجام یافته واحد ((اندیشه دینی مرکز مطالعات استراتژیک قم))، نیز رساله ای تحت عنوان ((تاریخ تحول اندیشه ولایت فقیه)) وجود دارد و نویسندگان آن کوشیده تا با بازکاوی مجدد اندیشه سیاسی او، راه جمعی میان نظریات فقهی و سیاسی نائینی، بیابد و علاوه بر آن تأثیر زمان بر تحول را نشان دهد .

((ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیه الله نائینی)) موضوع اثر مستقل دیگری است که نویسنده آن، ابوزر وردامبی، با دیدگاه اسلامی - مارکسیستی، به تحلیل اندیشه سیاسی نائینی پرداخته است آثار دیگری نیز وجود دارد که در بخش دوم این مقاله به آن ها اشاره خواهیم کرد . این نوشتار از دو بخش فراهم آمده است .

الف - اندیشه سیاسی نائینی ب - منبع شناسی نائینی

الف - اندیشه سیاسی نائینی

۱ - منیه الطالب نائینی

در حاشیه مکاسب (۱) در ذیل عبارت شیخ مرتضی انصاری که گفته است : ((من جمله اولیاء التصرف فی مال من لا یستقل بالتصرف فی ماله الحاكم)) (۲) درباره حوزه اختیارات ولی فقیه بحث کرده است. وی که در این زمینه، از شیوه تحلیل آخوند خراسانی تأثیر پذیرفته است، ضمن تقسیم ولایت به مراتب سه گانه میگوید :

۱ - عالی ترین مرتبه ولایت، مختص به نبی(علیهما السلام) و اوصیا: است و این مرتبه از ولایت هرگز قابل تفویض به احدی نیست .

اما دو مرتبه دیگر از ولایت که قابل تفویضند عبارتند از :

۲ - قسمتی از ولایت که بازگشت به امور سیاسی دارد از قبیل نظم بلاد، انتظام امور مردم امنیت مرزها، جهاد، دفاع و امثال آن که از وظیفه والیان و امراست.

۳ - ولایت در افتا و قضا .

نائینی، در ادامه در باره دو قسم اخیر منویسد :

((این دو منصب در عصر نبی و امیرمومنان(علیهما السلام) و حتی در عصر خلفای ثلاثه نیز، مختص به دو طایفه جداگانه بوده است و در هر شهر و بلادی یا منطقه ای، ((والی)) غیر از ((قاضی)) بوده و بدین ترتیب یک صنف مخصوصاً به منظور تصدی ((قضا و افتا)) منصوب میشدند و صنف دیگری نیز منصوب به ((اجرای حدود، نظم بلاد، نظر و تأمین مصالح)) مسلمین بودند . هر چند که با توجه به اهلیت شخص خاصی، اعطای این دو وظیفه به شخص واحد، ((اتفاق)) افتاده است، الا این که غالباً ((والی)) و ((قاضی)) مختلف و متفاوت بوده اند (۳۰) .

نائینی پس از تقسیم بندی فوق، نتیجه میگیرد که از دیدگاه اسلام هم، دو منصب قضا و سیاست همواره و اغلب به دو صنف متفاوت واگذار شده است . بنابراین اگر اسناد و روایاتی وجود دارد که به صورت کلی ولایت را برای فقیه جامع الشرایط توصیه میکنند در صورت فقدان دلیل قطعی دیگر برای ولایت سیاسی، البته باید ادله کلی فوق را با قدر

متیقن تخصیص داد حتی اگر تخصصی هم در میان نباشد. به دیده او، در حلول تاریخ اوایل اسلام، مناصب دو گانه غالباً به عهده اصناف دوگانه و متفاوت بوده است و اجتماع آن ها بر شخص واحد اتفاق بوده و اتفاق طبعاً موثر در مسأله نیست(۴۰).

و بدین ترتیب مشاهده گردید که نائینی از میان مراتب سه گانه تنها دو مرتبه ((ولایت در قضا و افتا)) و ((ولایت سیاسی)) را قابل تفویض دانست لکن معتقد شد ادله ولایت فقیه به گونه ای است که فقط ولایت در قضا و افتا را شامل میشود و امور حسبه نیز از توابع چنین ولایتی است. وی در ادامه میگوید :

((برخی از موارد دقیقاً مشخص است که جز منصب و اختیارات منصب قضاست اما برخی دیگر از مصادیق مشکوکه نیز وجود دارد که به آسانی تفکیک نشده اند و معلوم نیست که آیا فقیه متکفل سازمان دادن و تصمیم گیری در این گونه موارد باشد یا خیر؟(۵۰))

نائینی پاسخ به آن را به محل دیگری موکول میکند لکن به نظر میرسد که او در جای دیگر به آن پاسخ نداده است(۶۰). البته در ((تنبیه الامه)) نیز مآورد که او چند فصلی دیگر در باره حکومت در اسلام نوشته بود و تصمیم داشته که آنها را در کتاب مذکور بگنجاند ولی چون در خواب به او الهام شده بود که حکومت اسلامی با مشروطیت تفاوت دارد آن ها را به تنبیه ضمیمه نکرده است(۷۰).

در هر صورت سوال های اساسی و کلیدی در این میان باقی ممانند که قابل تامل است این پرسش ها عبارتند از :

- ۱ - ولایت سیاسی چه سرنوشتی پیدا میکند؟
 - ۲ - چه کسانی باید متصدی این ولایت باشند؟
 - ۳ - سمت و سوی اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت به کجا میرود؟
 - ۴ - در حکومت وقت در شمار حکومت های جائر قرار میگیرند و وظیفه مردم چیست؟
 - ۵ - وظیفه علما که تنها منصب قضا و افتا را بر عهده دارند در قبال حکومت جائر و مردم چه خواهد بود؟
- نائینی در ((منیه الطالب)) به هیچ یک از این گونه سوال ها پاسخ نداده است. و به نظر میرسد او همانند سایر علما به طور سنتی در این گونه مباحث، به بررسی ادله ولایت فقها پرداخته و به همین مقدار نیز بسنده کرده است.
- از این رو به نظر میرسد وی در کتاب ((تنبیه الامه)) در صدد پاسخ گویی به سوال های فوق است و به عبارتی دیگر ((تنبیه الامه)) در حقیقت تکمیل کننده بحث ((منیه الطالب)) است. البته عده ای دیگر گمان میبرند (۸) که نائینی نه در منیه الطالب و نه در تنبیه الامه، حرفی از حکومت مطلوب زده است. و تنبیه الامه نه در صدد ارائه یک حکومت مشروع است و نه مباحث منیه الطالب را تکمیل میکند. بدین صورت که نائینی همانند شیخ فضل الله نوری، حکومت مشروطه را غیر مشروع و غصبی میداند؛ به عبارت دیگر، از دیدگاه او، مشروطه، معضله غصبی بودن حکومت غیر معصوم در عصر غیبت را حل نمیکند، چرا که غصبی بودن دو چهره دارد: ۱ - غصبی مشروطه ۲ - غصبی مستبده، لکن از آن جا که رژیم سیاسی نوع اول به حقوق مردم تجاوز نمیکند بر نوع دوم رجحان دارد. ۲ - تنبیه الامه و تنزیه المله زمانی که نائینی تصمیم گرفت کتابی در باره حکومت مشروطه بنویسد حکومت استبدادی محمد علی شاه هنوز به سر قدرت بود. و مبارزات قلمی بر ضد یک رژیم نو به اوج خود رسیده بود. علمای ضد مشروطه - که نائینی آنان را شعبه استبداد دینی منامد - پی در پی اعلامیه ها و رساله هایی بر ضد مشروطه نزد رهبران مذهبی نجف مفرستادند. بنابراین نائینی احساس میکرد که یک نیاز فوری به نوشتن کتابی در دفاع از مشروطه لکن به زبان قابل فهم، میباشد(۹۰). از این رو نائینی با استناد به همان مآخذ و دلیل های استبداد گران که پیرامون حفظ بیضه اسلام دور مزدد دست به نوشتن کتاب خود زد این کتاب یعنی ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) در سال ۱۳۲۷ - تقریباً ده ماه پس

از الغای موقت مشروطیت و بستن مجلس (در ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶) و چهار ماه پیش از فتح تهران و بازگشت مشروطه (در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۲۷) نوشته شد .

گفتنی است برخی از نویسندگان در باره اصل انتساب چنین کتابی به نائینی دچار تردید شده و یا محتوای آن را اقتباس از منابع غربی بدانند . به عقیده ((آدمیت))، در تحلیلی که نائینی از استبداد سیاسی، دین و استبداد جمعی به دست مدهد مستقیماً از ترجمه کتاب ((طبایع الاستبداد)) (۱۰) عبدالرحمن کواکبی متأثر است که او خود نیز از کتاب *tirannide della* یعنی استبداد اثر معتبر ((ویتوریو الفیری)) نویسنده نامدار ایتالیایی بهره فراوان گرفته است . به گفته حمید عنایت ((رساله تنبیه الامه... رساله ای بسیار بدیع تر و منظم تر از ((طبایع الاستبداد)) است اگر چه به سبب پیچیدگی شیوه نگارش و روش استدلال بدان پایه شهرت همگانی نداشته است . یکی دو تن از ایران شناسان غربی در گفتگو با نگارنده مدعی شده‌اند که مطالب ((تنبیه الامه)) از ((طبایع)) گرفته شده است ولی بررسی و مقابله دقیق این دو کتاب این دعوا را تأیید نمکند. (۱۱))

دکتر عبدالهادی حائری بر خلاف نظریه دکتر حمید عنایت میگوید : ((ولی دلایلی محکم و آشکار در دست میباشد که نائینی به شیوه ای مستقیم از محتوای کتاب طبایع الاستبداد کواکبی، بهره جویی کرده است نائینی نه تنها از بسیاری از اندیشه های کواکبی بهره گرفته بلکه وی حتی عین واژه ها و اصطلاحات به کار برده شده در طبایع را در تنبیه الامه به کار برده است .. البته نائینی بحث خود را محدود به چهارچوب مطالب کواکبی نمکند . او در تنبیه الامه دارای متدلوژی ویژه خویش است و باورهای خود را که در واقع امر نماینده اندیشه های همه علمای مشروطهگر بود بیان میکند و بحث هایش محدود به مفهوم استبداد و یا یک نظام استبدادی نیست بلکه کوشش بسیار نیز به کار میرد که تئوری مشروطه را از دیدگاه شیعه نیز بیان و اثبات کند.)) (۱۲))

حائری در ادامه منویسد ((:کواکبی در کتاب خود نامی از ((ویتوریو آلفیری)) میرد و قسمت های زیادی از کتاب خود را از اثر نویسنده ایتالیایی گرفته است . آلفیری نیز مجذوب و مشعوف مونتسکیو بوده است .))

در پایان نیز نتیجه میگیرد که اندیشه نائینی به طور عمده ولی غیر مستقیم از اندیشه های اندیشمندان سده ۱۸ فرانسه بویژه مونتسکیو ریشه گرفته است. (۱۳))

آقای کاظم روحانی طی مقاله ای در ((نامه انجمن کتابداران ایران)) منویسد ((:هنوز به درستی معلوم نیست که)) تنبیه الامه و تنزیه المله)) از تالیفات نائینی باشد، چه، بعضی از کسانی که درک محضر اصول و فقه وی را نموده اند مسئله را با تأمل و تردید نگاه میکنند . و بعضی از خواص بر این نظرنند که کتاب منسوب به میرزای نائینی است (... اما) پس از تحریر کتاب پیشیمان شده و حتی نسخه های خطی و چاپی آن را جمع آوری کرده است. (۱۴))

به نظر میرسد نائینی با پیشینه درخشانی که در علوم اسلامی داشته میتواندست مقام مرجعیت عامه شیعیان را احراز کند ولی درگیری در انقلاب مشروطه دشمنان فراوانی برای او پدید آورد. (۱۵)) حاج ملا علی واعظ خیابانی در اثر خویش، که به زندگی نامه رهبران مذهبی شیعه معاصر اختصاص داده، نگاهی به زندگانی نائینی نکرده است. (۱۶)) و نویسنده کتاب ((احسن الودیعه)) که از زندگانی نائینی سخن گفته است از کتاب ((تنبیه الامه)) که شهرت آن انکار ناپذیر است یاد نمکند . مشارالیه که خود از شاگردان نائینی بوده و از کتاب های دیگر نائینی که پیرامون فقه و اصول است نام میرد ادعا میکند که ما از کتاب دیگری که نائینی نوشته باشد آگاهی نداریم. (۱۷))

از جمله قرائن مسلمی که انتساب کتاب ((تنبیه الامه)) را به نائینی اثبات میکند تقریظ هایی است که مراجع بزرگ آن دوره، یعنی خراسانی و مازندرانی بر آن نوشته اند . آن دو مجتهد در نامه های ستایشگرانه خود که در آغاز کتاب ((تنبیه الامه)) آمده است آنچه را نائینی در کتابش آورده شدیداً تأیید کردند . این کار بدین معناست که آنچه در ((تنبیه

الامه ((آمده مورد تائید اینان نیز بوده است . کتاب ((تنبیه الامه و تنزیه المله)) و بنابر نقلی دیگر(۱۸)) (تنبیه الامه و تنزیه المله فی لزوم مشروطیه الدوله المنتخبه لتقلیل الظلم علی افراد الامه و ترقیه المجتمع)) نخستین بار در سال ۱۳۳۷ (۱۹۰۹ میلادی) در بغداد به چاپ رسید و یک سال بعد چاپ سنگی آن در تهران بیرون آمد . سومین چاپ آن در سال ۱۳۳۴ خورشیدی همراه با دیباچه یادداشت‌هایی از آیه الله طالقانی میباشد . به دیده حائری منظور از این چاپ نو لزوماً آن نبود که تبلیغاتی به سود نظام مشروطه صورت گیرد زیرا در آن هنگام مخالفتی با اصول و یا نظام مشروطه ابراز نمشد ولی مرحوم طالقانی آن را به عنوان یک اعتراض غیر مستقیم به رژیم وقت چاپ کرد . این کتاب در سالهای ۳۱-۱۹۳۰ میلادی در لبنان به عربی ترجمه و در مجله ((العرفان)) چاپ گردید(۱۹۰) . در پایان به خلاصه ای از متن تنبیه الامه - با توجه به پاورقی‌های مرحوم طالقانی اشاره میکنیم . انگیزه تدوین این کتاب همان گونه که از نامش تداعی میکند در چند محور خلاصه میشود :

۱. تلاش جهت اثبات مشروعیت مبارزه برای دفع استبداد سیاسی - سلاطین قاجار و نیز محکوم نمودن استبداد دینی که حامی شعبه استبداد سیاسی بود .
۲. دفع شبهات و القائل طرفداران استبداد و دفاع از ساحت مقدس مذهب و مراجع .
۳. تبیین مشروح اهداف مشروطیت و ارکان حکومت مورد نظر علما و مردم .

ارکان به هم پیوسته این سه محور عبارتند از :

- ۱ - بدیهی است که نظام اجتماعی وابسته به حکومت است و آن حکومتی میتواند حافظ حقوق و شئون باشد که قائم به افکار و معتقدات عمومی باشد و الا نتیجه تجزیه قوا و اضمحلال است .
- ۲ - حکومتی که متکی به نوع باشد دارای دو خلیفه اساسی است : اول حفظ نظامات داخل، دوم حفظ از مداخله بیگانگان .
- ۳ - بر این اساس سلطنت دو نوع است : اول تملکیه (حکومت بدون قید و شرط) و دوم ولایتیه که بر خلاف اول، تنها حافظ حقوق و حدود است و جز ولایت در امور و اجرای قوانین امتیازی ندارد و برای مردم است .
- ۴ - بدین ترتیب این دو نوع حکومت به لحاظ حقیقت و آثار از هم جدا میشوند، زیرا اولی مبتنی بر قهر و غلبه است و دومی مبتنی بر ولایت بر امور و امانتداری نوع میباشد . و با اندک اغراق، تمام ملت حق مواخذه آن را دارند معقولترین راه جهت دستیابی به چنین حکومتی متوقف بر دو اصل است :

الف - تعیین حدود وظایف والی و طبقات دیگر؛

ب - گماشتن هیأت نظاره و مسدده .

- ۵ - در کتاب و سنت تن دادن به اراده شخص عبودیت شماره میشود که خود بر دو قسم است : یکی عبودیت در برابر سلاطین و دیگر، در برابر سران ادیان .
- ۶ - در صدر اسلام، رقیب در میان نبود، اصل مساوات ملت با والی با دقت و صریح اجرا میشد .
- ۷ - قیام عالمان و مسلمین، احیای قوانین اسلام است ولی شعبه استبداد دین برای حفظ استبداد سیاسی این حقیقت را به صورت دیگر جلوه مدهد .
- ۸ - تاسیس حکومت در طول تاریخ بشریت بر اساس مراقبت و ولایت و به شکل محدود بوده است .
- ۹ - این محدودیت در عموم شرایط و ملل به وابسته به قدرت ملت و قوانین است و در اسلام این محدودیت بیش از دیگران است .

۱۰ - برای اثبات چنین محدودینی سه اصل فقهی وجود دارد :

الف - نهی از منکر؛

ب - نیابت مجتهدین در امور حسبه مانند حفظ نظم و حقوق عمومی؛

ج - غصب چنین وظیفه ای، موجب سقوط آن نمگردد .

از این رو سلطنت غیر محدوده، غصب حق تعالی، مقام امامت و غصب حقوق، نفوس و اموال مسلمین است .

۱۱ - اولین مغالطه در باره اصل آزادی است، منظور از آزادی، رهایی از عبودیت شاهان خودگراست، در حالی که این

دسته آن را به آزادی از حدود و مقررات دین تاویل کرده و ملازم با هم‌رنگی در رسوم و آداب اروپاییان شمرده اند .

۱۲ - مغالطه دوم در باره مساوات است، اینان خیال میکنند مساوات یعنی یکسان بودن مردم در تمام احکام و حدود در

حالی که منظور از مساوات که پایه دوم مشروطیت است آن است که احکام و قوانین نسبت به مصادیق هر موضوع و

عنوانی به تساوی اجرا شود .

۱۳ - مغالطه سوم در باره قانون اساسی است که آن را به دلایلی بدعت شمرده اند در حالی که منظور از مشروطه

بدعت در قوانین اسلامی نیست و تحدید غصب و ظلم نیز متوقف بر قانون اساسی است .

۱۴ - مغالطه چهارم در باره انتخابات و گماشتن هیأت..... و تأسیس مجلس شورا است اینان می‌پندارند که مداخله در

کار حکومت، وظیفه امام است نه رعیت، این بیچارگان خیال میکنند که هم اینک امام در مسند حکومت تکیه زده است

.انتخاب و انتصاب وکلا از باب تقابل با امام نیست بلکه مانعی است بر راه غاصبان .

۱۵ - در مشروعیت و نافذ بودن آراء و تصمیمات وکلا، مشارکت و یا نظارت فقها کافی است(۳۰) عالم به سیاست،

منزه از اغراض دنیوی و حساسیت به استقلال میهن و نوع مسلمین)) از شرایط اصلی وکالت است .

۱۶ - منتخبین با اذن نواب مقام امام معصوم(ع) در عصر غیبت سه وظیفه دارند :

- ضبط و تعدیل مالیات و تطبیق دخل و خرج کشور

- تقنین قوانین و تنظیم دستورها

- تقسیم قوا .

۱۷ -)) جهل ملت به وظایف و حقوق عمومی، شیعه استبداد دینی، نفوذ دادن پرستش شاه اختلافات داخلی، ایجاد

رعب و وحشت، استبداد طبقاتی در درون جامعه، به دست گرفتن و غصب نمودن امور کلیدی)) از مقدمات استبداد

است .

۱۸ - و در نهایت علاج استبداد در)) زدودن جهل و غفلت همگانی، علاج استبداد دینی کندن ریشه ناپاک شاه پرستی،

زنده نمودن شعائر اجتماعی و تحدید قانونی)) ممکن است .

ب - کتاب شناسی : ۱ - سید محمد مهدی الموسوی الاصفهانی الکاظمی، احسن الودیعه فی تراجم مشاهیر

مجتهدی الشیعه نجف، ۱۹۶۸، ص ۲۵۴ .

۲ - عاملی، اعیان الشیعه، ج ۴۴، ص ۲۵۸ .

۳ - سید عبد الحجه بلاغی، تاریخ نائین، تهران، ۱۳۲۸، ص ۸۹ - ۱۸۸ .

۴ - همان، فرهنگ نائین، تهران، ۱۳۲۸، ص ۱۰۴ - ۱۰۱ .

۵ - همان، انساب خاندان های مردم نائین((مدینه العرفاء)) و کتاب شطرنج العرفاء، تهران، ۱۳۲۸، ص ۵۲ - ۵۱ .

۶ - طهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۳ - ۵۹۶ .

- ۷ - علی نقوی النقی، ((آیه الله النائینی و موقفه العلمی بین الطائفتی))، الرضوان، ۲، شماره ۸ (۱۹۳۶)، ۲۰ - ۱۸ .
- ۸ - مهدی نائینی، ((شرح زندگی مرحوم آیت الله نائینی)) نائین بیدار، ۹ اردیبهشت ۱۳۳۴، ص ۱ - ۲ .
- ۹ - منوچهر خدایار محبی ((پیشوایان مذهبی شیعه))، وحید، ۴، شماره ۱ (۱۴۳۶)، ۹۵ - ۹۴ .
- ۱۰ - کوکیس عواد، معجم المؤلفین العراقيین فی القرن التاسع عشر و العشرين، ۳ (بغداد ۱۹۶۹) ص ۱۵۲ - ۱۵۳ .
- ۱۱ - محمد هادی امینی، معجم رجال الفكر و الادب فی النجف خلال الف عام (نجف، ۱۹۶۴)، ج ۱، ص ۴۶ - ۴۹، ۲۸۴ - ۲۸۸ .
- ۱۲ - احمد آذری قمی، ولایت فقیه از دیدگاه فقهای اسلام، (قم، دارالعلم) ۱۳۷۲، ص ۹۷ .
- ۱۳ - کاظم روحانی، نامه انجمن کتابداران ایران، سال دوازدهم، شماره دهم، ص ۲۳۶ .
- ۱۴ - حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاست عرب، (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۱۷۴ .
- ۱۵ - ابوذر و رداسبی، ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی، ۱۳۶۳، ص ۵۵ .
- ۱۶ - حمید رضا مستعان، ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی، (بی تا، بی جا) .
- ۱۷ - رضا داوری، شمه ای از تاریخ غربزدگی ما، سروش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۵ .
- ۱۸ - مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صدرا، چاپ ششم، قم، ص ۴۲ .
- ۱۹ - موسی نجفی، نقد و ارزیابی دموکراسی اجتماعی در نظریه سیاسی میرزای نائینی، مسجد، سال سوم، شماره ۱۸، ۱۳۷۳، ص ۳۰ .
- ۲۰ - فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، انتشارات پیام، چاپ اول، بتا، ص ۲۴۸ - ۲۴۹ .
- ۲۱ - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تیر ۷۳، شماره ۳۲ .
- ۲۲ - گروهی از نویسندگان، اعتصام، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، شماره ۲۸ .
- ۲۳ - گروهی از نویسندگان، تارخی از یکسو، پاسارگاد، تهران، ۱۳۶۳ .
- ۲۴ - داود فیرحی، تاریخ تحول اندیشه ولایت فقیه، مرکز مطالعات استراتژیک، قم .
- ۲۵ - هادی خسروشاهی، تاریخ و فرهنگ معاصر، شماره یک ۱۳۷۰، ص ۳۰ .
- ۲۶ - ابراهیم جناتی، کیهان اندیشه، شماره ۴۷، سال ۷۲، ص ۹۲ .
- ۲۷ - عقیقی بخشایشی، مکتب اسلام، شماره ۵، سال ۶۳، ص ۴۰ .
- ۲۸ - مجله راهنمای کتاب، سهم علما در مشروطیت، سال ۱۹، شماره ۴، ص ۲۳۰ .
- ۲۹ - مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ج ۶ .
- ۳۰ - تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۴۴۰ .
- ۳۱ - عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، امیرکبیر، تهران، ۶۴ .
- ۳۲ - شیخ موسی نجفی خوانساری، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۳۲۵ .
- ۳۳ - نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و توضیح از مرحوم سید محمود طالقانی، تهران، ۱۳۳۴ خورشیدی .
- ۳۴ - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۳ .
- ۳۵ - غلام حسین نادی نجف آبادی، ((بررسی تطبیقی سه نظریه حکومت اسلامی))، کیهان، سال دوم، شماره ۶، خرداد ۷۱، ص ۲ .
- ۳۶ - حمید عنایت، تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه: ابوطالب صارمی، امیرکبیر، چاپ اول، سال ۱۳۶۲، ص ۲۲۵ .
- ۳۷ - میرزای نائینی (ره)، المکاسب و البیع به قلم شیخ محمد تقی املی، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۳، ه اق،

- ج ۲، ص ۳۳۵ .
- ۳۸ - محسن کدیور، ((راهبرد)) شماره ۴، پائیز ۱۳۷۳، ص ۱۵ - ۱۴ .
- پی نوشت ها :
- ۱- کتاب ((منیه الاطلب فی حاشیه المکاسب)) تقریرات درس مرحوم نائینی است که توسط یکی از شاگردانش، به نام شیخ موسی نجفی خوانساری، گردآوری شده است .
- ۲- منیه الطالب، ج ۱، ص ۳۳۵ . ۳- همان مدرک، ص ۳۳۵ .
- ۴- تحول تاریخی اندیشه ولایت فقیه، ص ۲۰۶ .
- ۵- منیه الطالب، ج ۱، ص ۳۳۵ .
- ۶- ناگفته نماند شیخ محمد تقی آملی - که درس فقه نائینی(ره) را تقریر کرده است - در بحث ولایت فقیه پس از رد ادله مثبتین ولایت عامه فقیه، به سه توجیه ولایت عامه فقیه را به نائینی(ره) نسبت مدهد، مراجعه به این اثر متواند خلاءهای موجود در بحث نائینی(ره) را پر کند .
- ۷- تنبیه الامه، ص ۴۸ - ۴۹ و ۱۳۸ - ۱۴۳ .
- ۸- بحث های تاریخ تحولات ایران، دکتر زیبا کلام در موسسه آموزش عالی باقر العلوم(ع)، قم، ۱۳۷۴ .
- ۹- اگر چه نائینی این کتاب را برای استفاده عموم نوشته است لکن فهم کتاب نه تنها برای خواننده عادی بلکه حتی برای پژوهشگران این رشته از تحقیقات خالی از اشکال نیست .
- ۱۰- گویا این کتاب در سال ۱۳۲۳/۱۹۰۵ برای نخستین بار در قاهره چاپ شد و دو سال بعد نیز توسط عبد الحسین قاجار به فارسی ترجمه و در ایران پخش شد .
- ۱۱- حمید عنایت، سیر در اندیشه سیاسی غرب، ص ۱۷۴ .
- ۱۲- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، (تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴)، ص ۲۲۲ - ۲۲۴ .
- ۱۳- همان، ص ۲۲۵ .
- ۱۴- نامه انجمن کتابداران ایران، شماره دهم، سال دوازدهم، ص ۲۳۶ .
- ۱۵- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۲۰ .
- ۱۶- علماء معاصرین، (تهران ۱۳۲۶)، ص ۴۰۱ .
- ۱۷- سید مهدی موسوی، احسن الودیعه، ص ۲۵۴ .
- ۱۸- شیخ آغا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۴، ص ۴۴۰ .
- ۱۹- عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۲۰۸ - ۲۱۷ .
- ۲۰- نائینی معتقد است که حکومت مشروطه در صورت عدم بسط ید مجتهد عادل، اما با وجود مجتهدین در میان وکیلان قوه مقننه و رعایت نظر ایشان در قوانین، متواند مشروعه باشد ((.محسن کدیور، راهبرد، ص ۱۵))